

شناسایی شاخصه های موثر بر طراحی مجتمع آموزشی با رویکرد روانشناسی محیطی

مریم ابراهیم خانی^۱ * مسعود حق لسان^۲

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلخچی، گروه معماری، ایلخچی، ایران
m60.ebrahimkhani@gmail.com

۲- استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ایلخچی، گروه معماری، ایلخچی، ایران
mhaghlesan@yahoo.com

چکیده:

این پژوهش به مطالعه روانشناسی محیطی، در خصوص مراکز آموزشی می پردازد. یادگیری، بخش مرکزی زندگی هر فرد است، حتی زمانی که به آن فکر نمی کنیم نیز اتفاق می افتد؛ با این تفکر که رفتار در خلا رخ نمی دهد؛ لذا راه های گوناگون رفتار، مرتبط با محیط کالبدی است. محیط های یادگیری از عناصری تشکیل می شوند که در کنار هم معنادار می شوند. ویژگی ها و کیفیت های هر کدام از این عناصر در شکل گیری رفتارهای مختلف موثر می باشند. سازگار نمودن بستر یادگیری با نیازهای دانش آموزان و طراحی بهینه فضاهای آموزشی می تواند باعث رشد و یا بازدارندگی در امر یادگیری باشد. اهدافی که در این پژوهش مد نظر بوده اند: توصیف و تحلیل روانشناسی محیطی در خصوص مراکز آموزشی، یافتن انطباق میان روانشناسی محیطی و مراکز آموزشی و طراحی با تکیه بر تاثیر روانشناسی محیطی در فضاهای آموزشی بر روی کیفیت فرایند آموزش به منظور پاسخگویی به تحولات گسترده روش های آموزشی، همچنین بررسی نقش عوامل کالبدی، روانشناختی و عملکردی بر رضایتمندی و دل بستگی دانش آموزان به محیط آموزشی می پردازد. برای رسیدن به این منظور، با بررسی پژوهش ها و تحقیقات انجام شده در این زمینه و نظرات دانش آموزان درمورد محیط آموزشی از طریق پرسشنامه جمع آوری شده و بررسی نمونه های اجرا شده و مقایسه این نتایج، پیشنهادهایی به منظور طراحی مجتمع آموزشی با رویکرد روانشناسی محیطی، جهت ارتقا یادگیری و رضایتمندی دانش آموزان ارائه می شود. روش مورد استفاده در این مقاله روش توصیفی تحلیلی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه ای، اسنادی و بررسی های میدانی می باشد. نتایج حاصل بر تاثیر نقش روانشناسی محیطی در طراحی فضاهای آموزشی و افزایش یادگیری و دل بستگی در دانش آموزان تاکید داشت.

کلمات کلیدی: طراحی، آموزش، روانشناسی محیطی، یادگیری، دل بستگی

مقدمه

در سال های اخیر با توجه به رشد روز افزون و وسعت تغییرات روش های آموزشی، سازگار نمودن بستر یادگیری با تمامی جوانب نیازهای یادگیرنده، در کانون توجه متخصصین آموزش قرار گرفته است. چرا که محیط فیزیکی به سبب ساختار خود می تواند تعاملات و در پی آن فرآیند یادگیری را تقویت و یا تضعیف نماید. از آنجا که " تعاملات مداوم انسانها با یکدیگر و با منابع محیطی " و الگوی " یادگیرنده - محوری "، جوهره نظام های آموزشی جهان امروز و فردا را شکل می بخشد، این اعتقاد وجود دارد که رویکردهای جدید، نیازمند حرکت، کار گروهی و پویایی دانش آموزان است. از این رو تعریف نیازها و چگونگی سازماندهی بستری که چنین نحوه ی یادگیری، در آن قابلیت ظهور داشته باشد، از اهمیت ویژه ای برخوردار است (۱).